

اندیشه حکومت اسلامی، نقطه عطفی در نهضت امام خمینی

(نگاهی تاریخی به کتاب حکومت اسلامی)

مهدی رنجریان

نهضت پرخروش و امیدبخش امام خمینی که با فریادهای بیدارگرانه آن رهبر فرزانه در خرداد ۱۳۴۲ آغاز شد، از اواسط دهه ۴۰ به نظر می‌رسید دچار رکود شده و به بن‌بست رسیده است. عواملی در پیدایش این وضعیت سهیم بودند که برخی از آنها به اجمال مرور می‌شود:

۱. تبعید رهبری نهضت از کانون مبارزه

سخنرانی تاریخی امام خمینی در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ در مدرسه فیضیه که در اعتراض به انقلاب سفید شاه ایراد شده بود، موجب دستگیری ایشان در ۱۵ خرداد گردید. اعتراضات

گسترده مراجع، علما و عموم مردم سبب شد که رژیم شاه در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۴۲ امام را از زندان آزاد کند و در قیطره تهران تحت نظر قرار دهد. این مسأله نیز تا ۱۵ فروردین ۱۳۴۳ ادامه یافت و رژیم با توجه به اعتراضات عمومی و فشار علما، ناگزیر شد به آزادی کامل امام تن در دهد و ایشان را به قم بازگرداند. در این نه ماه، هر چند رهبری نهضت در زندان و بعد از آن تحت مراقبت شدید قرار داشت، اما خود این مسأله به موضوعی برای مبارزه تبدیل شده بود و تلاش‌ها و اعتراضات گسترده برای آزادی امام، شعله‌های مبارزه را فروزان‌تر می‌نمود.

لکن می‌توان گفت «تبعید امام» سخت‌ترین ضربه‌ای بود که رژیم شاه می‌توانست بر پیکره نهضت وارد آورد. در پی احیای رژیم کاپیتولاسیون و اعلام مصونیت مستشاران امریکایی در ۲۱ مهر ۱۳۴۳، امام سخنرانی افشاگرانه‌ای در ۴ آبان آن سال ایراد نمود. رژیم شاه که قبلاً از زندانی کردن آن رهبر آگاه طرفی نبسته بود، این بار در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ امام را به ترکیه و سپس به عراق تبعید کرد. با تبعید امام و دوری ایشان از کانون نهضت و محدودیت ارتباطات، آرام آرام از هیجان و حرارت نهضت کاسته شد و می‌رفت که امیدها به یأس کشیده شود.

۲. نغمه‌های سازشکارانه

بلندترین اهداف مبارزاتی برخی احزاب و گروه‌های سیاسی که در آن سال‌ها فعال بودند، داشتن چند نماینده در مجلس و اجرای قانون اساسی توسط رژیم شاه بود. به طور خاص، سران نهضت آزادی با تأکید بر تبعیت از قانون اساسی،^۱ پندار باطل جاودانگی سلطنت پهلوی و لزوم «اصلاح شکلی» به جای «انقلاب بنیادی» را تقویت می‌نمودند. طبیعی است که این قبیل اهداف کوتاه‌بینانه و کوچک، با شور انقلابی مردم سازگار نبود و موجب سرخوردگی مبارزان می‌شد و چه بسا رژیم شاه با هدف ایجاد انحراف در نهضت امام، از این قبیل دیدگاه‌ها حمایت می‌کرد.

۳. ابهام در اهداف نهضت

یکی دیگر از مشکلات عمده در آن مقطع، ابهام در اهداف نهضت بود. در آن زمان برای بسیاری از مبارزان مشخص نبود که این نهضت تا کجا ادامه خواهد یافت و در چه نقطه‌ای متوقف خواهد شد. برخی گمان می‌کردند نهضت امام در حد مخالفت با یک یا چند مصوبه است و با عقب‌نشینی رژیم از این مصوبات، امام هم از نهضت الهی خود دست خواهد کشید. شیوع این پندار باطل در میان مبارزان چندان هم ناموجه نبود، زیرا در تاریخ نهضت‌های علما، هیچ‌گاه براندازی رژیم فاسد و جایگزینی «حکومت اسلامی»، سابقه نداشت و عالمان دینی به رغم اینکه حاکمان را غاصب می‌دانستند و تنها حکومت اسلامی را حکومت حق اعلام می‌کردند، در راه تحقق این هدف کوششی به عمل نمی‌آوردند و قیام‌های علما در سده اخیر - با توجه به محدودیت‌های زیادی که داشته‌اند - عموماً در حد لغو یک امتیازنامه یا مخالفت با یک مصوبه بوده است.

امام نیز نهضت خود را از مخالفت با لوایح شش‌گانه شاه و بعد رژیم کاپیتولاسیون آغاز کرد و هنوز آفاق بلند نهضت برای عموم تبیین نشده بود. هر چند که امام سال‌ها پیش از آن یعنی در سال ۱۳۲۳، در کتاب کشف *اسرار* به مسأله «ولایت فقیه» اشاراتی داشت

امام بسیاری از دلایلی که در درس‌های سال ۱۳۴۸ برای حکومت اسلامی و ولایت فقیه مطرح کرد در سال ۱۳۲۳ در کتاب کشف اسرار نیز آورده است.

و بسیاری از دلایلی که در درس‌های سال

۱۳۴۸ برای حکومت اسلامی و ولایت فقیه مطرح کرد در کشف *اسرار* نیز آورده است. از جمله در بحث مربوط به «حکومت فقیه در زمان غیبت»، توفیق معروف امام عصر (الحوادث الواقعة)، روایت (اللهم ارحم خلفائی)، مقبوله عمر بن حنظله و روایت (مجاری الامور و الاحکام علی ایدی

العلماء) را مورد بحث قرار داده^۱ و در قسمت‌هایی لزوم تشکیل حکومت اسلامی را مطرح نموده است. اما هنوز این مهم برای همگان و حتی بسیاری از نخبگان هضم نشده بود. بر این همه، فضای بسته و حاکمیت پلیسی را نیز باید افزود. رژیم شاه با ایجاد جو رعب و وحشت، فرصت تحقیق و بررسی راجع به حکومت اسلامی و مردود بودن نظام پادشاهی از دید اسلام را به نخبگان و پژوهشگران نمی‌داد و طرح چنین بحث‌هایی در حوزه‌های درسی و حتی بررسی آن به صورت فردی با خطرهایی مواجه بود و چه بسا نوشته‌هایی پیرامون حکومت اسلامی که در لابه‌لای نوشتجات عالمان دینی قرار داشت و به دست ساواک می‌افتاد، موجب سنگینی پرونده و به دادگاه کشیده شدن نویسنده آن می‌شد.

◆ تجدید حیات نهضت

در چنین فضای یأس‌آوری بود که امام خمینی با طرح سلسله مباحث حکومت اسلامی، حیات تازه‌ای به نهضت بخشید و بارقه‌ای از امید در دل مبارزان افکند. امام این بحث را از اول بهمن ماه ۱۳۴۸ (۱۳ ذی‌قعدة ۱۳۸۹) آغاز کرد و تا ۱۹ بهمن در دوازده جلسه^۲، در جمع طلاب و

۱. امام خمینی، *کشف اسرار*، قم، بی‌تا، ص ۱۸۷.

۲. حجت الاسلام سید حمید روحانی که در آن جلسات حضور داشت، و این بحث‌ها را در شش جزوه (هر دو درس، یک جزوه) تنظیم کرده است، می‌نویسد:

این بحث‌ها در دوازده جلسه ارائه شده (سید حمید روحانی، *نهضت امام خمینی*، عروج، تهران، ۱۳۸۱، دفتر دوم، ص ۷۳۰)، اما مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در مقدمه کتاب (امام خمینی، ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ نهم، تهران، ۱۳۷۸، ص پنج) و مرکز اسناد انقلاب اسلامی در حاشیه‌های توضیحی که برای منشورات مختلف تنظیم کرده (از جمله: *خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۴، ج ۲، پانوش ص ۵۸)، سیزده جلسه ذکر کرده‌اند! این در حالی است که جزوات آن درس‌ها، اسناد ساواک و نیز خاطرات شرکت‌کنندگان در جلسات، مؤید دوازده جلسه است و این خطا هر چند اهمیت زیادی ندارد اما از مراکز معتبری که نام آنها ذکر شد، قابل اغماض نیست.

فضای حوزه نجف ادامه داد.^۱

اولین جلسه در روز چهارشنبه ۱۳۴۸/۱۱/۱ برگزار شد و امام بحث خود را با این عبارات آغاز کرد:

موضوع ولایت فقیه فرصتی داد که راجع به بعض امور مربوطه صحبت کنم.^۲

امام در همان آغاز، ولایت فقیه را به عنوان موضوعی مطرح کردند که تصورش موجب تصدیق آن می‌شود. بعد با اشاره به تبلیغات دشمنان و غفلت حوزه‌های علمی از ابعاد اجتماعی و سیاسی اسلام، لزوم معرفی چهره واقعی اسلام را یادآور شدند و ضمن نقد قوانین رژیم شاه، بر لزوم اجرای قوانین اسلامی در تمام زمینه‌ها تأکید نمودند و در همان جلسه، نکته قابل توجهی را عنوان کردند:

شما باید حکومت اسلامی تأسیس کنید... از صفر شروع کنید.^۳

دومین جلسه در روز شنبه ۱۳۴۸/۱۱/۴ برگزار شد. امام در آن جلسه، سیره رسول خدا و امیرالمؤمنین در برپایی حکومت را مطرح کرد، نفوذ اسرائیل را در حکومت ایران هشدار داده و بعد اظهار داشتند:

شما متوقع بودید که من کاری به این حرف‌ها نداشته باشم، ولایت فقیه را آن طوری

که آقایان دیگر تمام کردند، من هم تمام کنم؟^۴

۱. طرح بحث حکومت اسلامی در حوزه نجف که به دلایل تاریخی و شرایط اجتماعی، توجهی به این قبیل مباحث نداشت، عکس‌العمل‌های زیادی را در پی داشت و عده‌ای با آن مخالفت کردند. اما برای حوزه نجف که بعد از تجربه تلخ نهضت مشروطه، روی خوشی به مسائل اجتماعی و سیاسی نشان نمی‌داد، چنین تکانی لازم بود. شهید آیت‌الله سید مصطفی خمینی در این باره گفته بود: «به نظر من جا داشت حوزه خواب‌زده نجف، بیش از نیم قرن از وجوهای اسلامی استفاده کند تا امروز خمینی بتواند چنین طرحی را در این حوزه مطرح سازد.» سید حمید روحانی، همان، ص ۷۴.

۲. جزوه ولایت فقیه، درس اول، ص ۵.

۳. همان، ص ۱۸.

۴. همان، درس دوم، ص ۳۲.

و بعد توطئه دشمنان در ایجاد تفرقه میان حوزه و دانشگاه و در سطحی وسیع‌تر، میان عموم مسلمانان را گوشزد نمودند.

جلسه سوم در روز یکشنبه ۱۳۴۸/۱۱/۵ با این بحث آغاز شد:

اگر نفس احکام اسلام ملاحظه شود، روشن است که [هدف] تنها بیان قانون و مسأله نیست... بلکه مقصود تشکیل حکومت بزرگی است که حد و مرزی نمی‌شناسد مگر حدود و ثغور اسلام.^۱

مسأله مهمی که در این جلسه مطرح شد، تبیین تفاوت حکومت اسلامی با انواع حکومت‌های استبدادی، مشروطه و جمهوری بود. سپس «علم به قوانین الهی» و «عدالت» را دو شرط مهم برای زمامدار امور مسلمین عنوان کرده و حدود اختیارات حاکم اسلامی را در حد اختیارات حکومتی رسول خدا مطرح کردند:

اگر فرد لایقی که دارای این دو خاصیت [علم به قوانین الهی و عدالت] باشد، به پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول در امر حکومت داشت

دارا می‌باشد و بر همه مردم لازم است

که از او اطاعت کنند.^۲

شهادت آیت الله سید مصطفی خمینی
گفته بود:

«به نظر من جا داشت حوزه خواب‌زده نجف، بیش از نیم قرن از وجوهات اسلامی استفاده کند تا امروز خمینی بتواند چنین طرحی [حکومت اسلامی] را در این حوزه مطرح سازد.»

حکومت از نظر اخبار، از دیگر مباحث

مطرح شده در آن جلسه بود.

جلسه چهارم در روز دوشنبه ۱۳۴۸/۱۱/۶

با رفع یک اشکال آغاز شد. برخی از

شاگردان، از بیان امام راجع به تساوی

اختیارات حکومتی فقها با رسول خدا و امامان

معصوم، برداشت‌های اشتباهی داشتند که

۱. همان، ص ۵.

۲. همان، درس سوم، ص ۱۶.

امام در آن جلسه به بررسی اشکالات پرداختند:

مثل اینکه دیروز تقریر بنده قدری ناقص بوده یا آقایان درست تأمل نکرده‌اند... در مسأله ولایت فقیه که عرض شد آنچه برای امام است برای فقیه هم هست، توهم شده که امام هر مقامی دارد، فقیه هم آن مقام را داراست... ما کجا و ائمه کجا؟^۱

آنگاه با تفکیک «ولایت اعتباری» از «ولایت تکوینی»، به تبیین موضوع پرداخته و بعد بحث حکومت را از نظر اخبار ادامه دادند.

جلسه پنجم در روز سه شنبه ۱۳۴۸/۱۱/۷ با بررسی اخبار و احادیث مربوط به حکومت آغاز شد. در ادامه، امام بار دیگر ضرورت تشکیل حکومت را که در اولین جلسه مطرح کرده بود، یادآور شد و «تبلیغات» را نخستین گام در این راه عنوان نمود:

آن مطلبی که در اول بحث عرض کردم که شما موظفید برای تشکیل حکومت اسلامی جدیت کنید، راه آن در اولین قدم، تبلیغات است.^۲

امام جلسه ششم را در روز چهارشنبه ۱۳۴۸/۱۱/۸، با روایتی از اصول کافی - که فقها را «حصون الاسلام» عنوان می‌کند- آغاز و سند و دلالت آن را بررسی نمود. بعد با اشاره به سیره حکومتی رسول خدا و امیرالمؤمنین، به نقد اشرافیت در حکومت ایران پرداخت:

اگر آن تشریفات حکومتی و این ریخت و پاش‌ها نبود، بودجه مملکت کسر نمی‌آمد تا در برابر امریکا خاضع شوند و تقاضای قرض و کمک کنند... اگر این مفت‌خوری‌ها نبود، احتیاج پیدا نمی‌کرد که از اینجا راه بیفتد برود امریکا در برابر آن مردک (رئیس جمهور امریکا) گردن کج کند که مثلاً به ما کمک کنید.^۳

امام در این جلسه با اشاره به مشکلات جهان اسلام جملاتی عنوان نمود که برای خیلی‌ها

۱. همان، درس چهارم، ص ۲۴.

۲. همان، درس پنجم، ص ۱۵.

۳. همان، درس ششم، ص ۲۲.

آشنا بود:^۱

به داد اسلام برسید، اسلام را دریابید، اسلام را دارند از بین می‌برند.

بعد، لزوم برنامه‌ریزی‌های درازمدت را یادآور شده و اظهار داشتند:

من راه نشان می‌دهم لکن متوقع نباشید راهی که من نشان می‌دهم فردا نتیجه دهد...

شما باید کاری بکنید که نسل بعدی نتیجه بگیرد.^۲

پس از این فرازها بار دیگر بر لزوم تبیین صحیح ابعاد اجتماعی و سیاسی اسلام تأکید

ورزید.

جلسه هفتم در روز شنبه ۱۳۴۸/۱۱/۱۱ با روایت «الفقهاء اناء الرسل» آغاز شد. امام در این

جلسه، پس از بحث در دلالت حدیث بر مسأله ولایت فقیه، به خطر آخوندهای درباری اشاره

نمود که در مورد شاه عبارت «جل جلاله» را به کار برده بودند^۳ و در مورد آنها مطالبی فرمود

که انعکاس گسترده‌ای در میان مبارزان داشت:

اخیرا لقب «جل جلاله» به او [شاه] داده‌اند اینها فقها نیستند، مردم اینها را

می‌شناسند... در روایت است که از این اشخاص بر دین خود بترسید، اینها دین شما را از

بین می‌برند. اینها را باید رسوا کرد، لکه‌دار و متهم ساخت... اگر اینها در اجتماع ساقط

نشوند، امام زمان را ساقط می‌کنند، اسلام را ساقط می‌کنند. باید جوان‌های ما عمامه

اینها را بردارند. عمامه این آخوندهایی که به اسم فقهای اسلام به اسم علمای اسلام این

طور مفسده در جامعه مسلمین ایجاد می‌کنند، باید برداشته شود. من نمی‌دانم جوان‌های

۱. یادآور سخنرانی پرشور امام در ۴ آبان ۱۳۴۳: «ای سران اسلام به داد اسلام برسید، ای علمای نجف به داد

اسلام برسید، ای علمای قم به داد اسلام برسید، رفت اسلام.» صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۲۰.

۲. جزوه ولایت فقیه، درس ششم، ص ۳۰.

۳. شیخ بهاء‌الدین مهدوی امام جماعت مسجد سپهسالار. در یکی از گزارش‌های ساواک راجع به او آمده است:

آقای آیت‌الله مهدوی که تا کنون کمال همکاری را با ساواک مبذول داشته... اظهار می‌دارد تنها امام جماعتی بودم که

در جریان فراندوم رأی داده و با مخبرین جراید در مورد محاسن مواد شش‌گانه مصاحبه کردم و بر خلاف سایر

روحانیون با کمال افتخار در سلام‌های رسمی شرفیاب شدم...

ما در ایران مرده‌اند؟ کجا هستند؟ ما که بودیم این طور نبود. چرا عمامه‌های اینها را برنمی‌دارند؟^۱

هشتمین جلسه در روز یکشنبه ۱۳۴۸/۱۱/۱۲ برگزار شد. امام در این جلسه روایات دیگری را مطرح کردند که بر مسأله ولایت فقیه دلالت دارد و در پایان درس، جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاه را مورد اعتراض قرار دادند:

چرا با مال مسلمین بازی کردید؟ چرا جشن چند هزار ساله برپا داشتی؟ چرا مال مردم را صرف تاجگذاری و آن جشن کذائی کردی؟^۲

جلسه نهم در روز دوشنبه ۱۳۴۸/۱۱/۱۳ برگزار شد و در آن مقبوله عمر بن حنظله و آیاتی که در آن روایت مطرح شده، مورد بحث قرار گرفت.

در دهمین جلسه که در روز سه شنبه ۱۳۴۸/۱۱/۱۴ برگزار شد، امام روایت ابی خدیجه را مطرح کرد که راجع به عدم جواز دادخواهی نزد حکام جور است و ضمن تأکید مجدد بر مطالب مطرح شده در جلسات گذشته، به اعتراض‌هایی اشاره کرد که به این درس‌ها صورت گرفته بود:

من نمی‌دانم این حرف‌های من بر بعضی نفوس چقدر گران آمد؟ به طوری که اعتراض کردند چرا دست از این حرف‌ها بر نمی‌دارد؟ چرا مسأله‌اش را نمی‌گویند و رد شود؟ خدا می‌داند که این صحبت‌ها از مسائل واجب‌تر است. اینها مسائلی است که شما را زنده می‌کند، این وضع نکبت‌بار شما را تغییر می‌دهد، این تبلیغات سوء اجانب است که شما را این طور کرده و این وضع را برای شما پیش آورده است و شما را در بین ملل دنیا گروهی کهنه‌پرست معرفی کرده‌اند که در نجف و قم گرد هم جمع شده‌اند [و می‌گویند اینها] به سیاست چه کار دارند! سیاست از دیانت جداست.^۳

۱. جزوه ولایت فقیه، درس هفتم، ص ۱۸.

۲. همان، درس هشتم، ص ۳۱.

۳. همان، درس نهم، ص ۳۴.

در یازدهمین جلسه که در روز چهارشنبه ۱۳۴۸/۱۱/۱۵ برگزار شد، امام اشاره‌ای داشتند به کسانی که قبلاً به بحث ولایت فقیه پرداخته‌اند و اظهار داشتند:

هر چند موضوع ولایت فقیه اجماعی نمی‌باشد، لیکن این طور نیست که کسی هم قائل نشده باشد. بسیاری از فقها مثل مرحوم آقای نراقی و از متأخرین، مرحوم آقای نائینی معتقدند که تمام شئون نبی و ائمه برای فقهای عادل نیز هست. منتهی ما تفصیل موضوع را بیان کردیم تا مراد آنها که می‌گویند همه شئون امام را فقیه نیز دارا می‌باشد، روشن گردد.^۱

سپس بعضی از مؤیدات روایی ولایت فقیه را مطرح نمودند و بار دیگر توطئه‌ها و نقشه‌های استعمار را برای دور نگه داشتن حوزه‌های علمیه و علما از مسائل سیاسی و اجتماعی یادآور شده و در پایان، خطر «مقدس‌نماها» را متذکر شدند:

روزی مرحوم آقای بروجردی، مرحوم آقای حجت، مرحوم آقای صدر، مرحوم آقای خوانساری رضوان‌الله علیهم برای مذاکره در یک امر سیاسی در منزل ما جمع شده بودند. من به آنان عرض کردم که شما قبل از هر چیز باید تکلیف این مقدس‌نماها را روشن کنید. با وجود آنها مثل این است که دشمن به شما حمله کرده و یک نفر هم محکم دست‌های شما را گرفته است... امروز جامعه مسلمین طوری شده که مقدسین ساختگی جلو نفوذ اسلام و مسلمین را می‌گیرند و به اسم اسلام به اسلام صدمه می‌زنند.^۲

آخرین جلسه در روز یکشنبه ۱۳۴۸/۱۱/۱۹ با بیان مؤیدات دیگری در مورد اصل ولایت فقیه آغاز شد. پس از آن، امام بار دیگر از حوزه‌های علمیه به خاطر سکوتشان در برابر جنایت‌ها و ظلم‌های رژیم فاسد ایران انتقاد نمودند، اصل امر به معروف و نهی از منکر را یادآور شدند و با نقل روایتی، به بی‌تفاوتی حوزه‌ها در قبال منکرات اعتراض کردند:

اگر برای پدران شما پیش‌آمدی کند یا خدای نخواستہ کسی نسبت به پدر شما

بی‌احترامی کند ناراحت می‌شوید داد می‌زنید در حالی که جلو چشمان شما عهدهای الهی را می‌شکنند، اسلام را هتک می‌کنند، صدایتان در نمی‌آید.^۱

آنگاه به نفوذ اسرائیل در حکومت ایران اشاره کردند:

اسرائیل - که اکنون با مسلمان‌ها در حال جنگ است و کسانی که او را تأیید کنند آنان نیز با مسلمان‌ها در حال جنگ می‌باشند- به طوری پر و بالش در مملکت باز شده و به طوری مورد تأیید دستگاه حاکمه قرار گرفته که نظامیان او برای دیدن تعلیمات به کشور ما می‌آیند، مملکت پایگاه آنها شده، بازار ما هم دست آنهاست.^۲

در فراز دیگری، لزوم جهاد در راه خدا و آمادگی در برابر همه مشکلات را با این تعابیر بیان کردند:

چه ترسی دارید؟ جز این نیست که شما را زندان می‌کنند، بیرون می‌کنند و می‌کشند.

اولیاء ما برای اسلام جان دادند، شما هم باید برای این امور آماده باشید.^۳

در پایان درس، ضمن یادآوری سیره علما در عمل به ولایت فقیه و اینکه حکم تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی بزرگ و نیز حکم جهاد میرزا محمدنقی شیرازی بر اساس ولایت فقیه بوده است، بار دیگر بر لزوم تشکیل حکومت اسلامی تأکید کردند و با این عبارات، سلسله بحث‌های ولایت فقیه را به پایان رساندند:

ما اصل موضوع را طرح کردیم و لازم است نسل حاضر و نسل آینده در اطراف آن بحث و فکر نمایند و راه به دست آوردن آن را پیدا کنند. سستی، سردی و یأس را از خود دور نمایند و انشاء الله تعالی کیفیت تشکیل و سایر متفرعات آن را با مشورت و تبادل انظار به دست بیاورند و کارهای حکومت و مملکت اسلامی را به دست کارشناسان امین و خردمندان معتقد بسپارند و دست خائن را از حکومت، مملکت و

۱. همان، درس دوازدهم، ص ۵۵.

۲. همان، ص ۵۷.

۳. همان.

بیت‌المال مسلمین قطع کنند و مطمئن باشند که خداوند توانا با آنها است.^۱

با بررسی مجموع مطالب مطرح شده در این دوازده جلسه، روشن می‌شود که امام در این درس‌ها علاوه بر تبیین مبانی فقهی حکومت اسلامی و ولایت فقیه، با انتقاد از غفلت حوزه‌های علمیه از ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام و نیز سکوت ایشان در برابر جنایات رژیم شاه، با بیاناتی حماسی و تکان‌دهنده، تلاش کرد تا علما و روحانیان را عملاً در جهت تشکیل حکومت اسلامی بسیج کند و نمی‌خواست این مباحث در حد کتاب و درس و مباحثه باقی بماند. انتقادهای صریح از بی‌توجهی حوزه‌ها نسبت به ابعاد سیاسی - اجتماعی اسلام و بی‌تفاوتی برخی علما نسبت به مشکلات جهان اسلام، از مسائلی بود که تقریباً در تمام این جلسات مطرح شده است. نکته دیگر هشدار نسبت به وجود دو جریان در بدنه روحانیت بود:

۱. مقدس‌نماها ۲. آخوندهای درباری

این دو گروه به عنوان دو جریانی که از درون به روحانیت ضربه می‌زنند مورد انتقاد شدید امام در این جلسات قرار گرفتند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

◆ تکثیر نوارها و انتشار کتاب حکومت اسلامی

شاگردان و یاران امام با درک اهمیت این بحث‌ها و با توجه به نزدیکی موسم حج، به سرعت دست به کار تکثیر نوار بحث‌ها و پیاده‌سازی، تدوین و چاپ آن به زبان فارسی و عربی شدند. این هم تقدیر الهی بود که این مباحث در آستانه ایام حج مطرح شود تا در آن فرصت کم‌نظیر، در میان عموم مسلمانان منتشر و توسط زائران ایرانی به دست مردم ایران برسد.

حجت‌الاسلام سید حمید روحانی در این‌باره می‌نویسد:

بیش از دو روز از طرح بحث حکومت اسلامی نگذشته بود که در صدد برآمدیم بحث

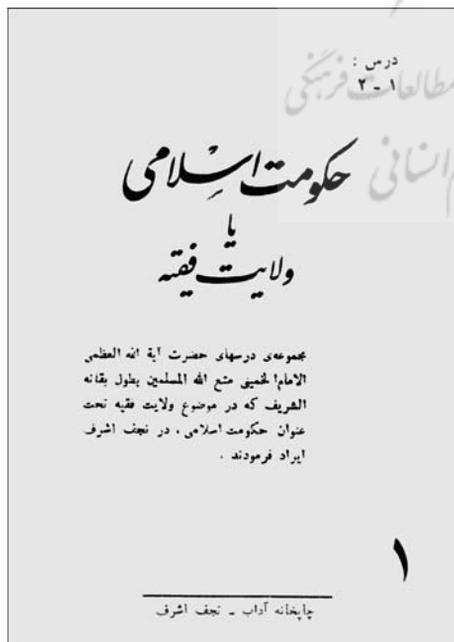
مزبور را از نوار پیاده کرده هر چه سریع‌تر تنظیم و چاپ کنیم و برای توزیع در

مراسم حج به مکه بفرستیم... نیروی جوان و مبارز حوزه نجف را بسیج کردیم و گروهی را مسئول پیاده کردن نوارهای بحث حکومت اسلامی و دسته‌ای را مسئول امور چاپ قرار دادیم. نگارنده نیز مسئولیت تنظیم، تدوین و تیتراژ آن را بر عهده گرفت و به این ترتیب کار به سرعت و موفقیت پیش رفت و فقط پنج روز از طرح بحث حکومت اسلامی از طرف امام گذشته بود که اولین جزوه آن که شامل درس ۱ و ۲ بود از چاپ درآمد که موجب شگفتی و حیرت عموم افرادی که در جریان کار قرار داشتند، واقع شد... مجموع بحث امام درباره حکومت اسلامی، دوازده درس بود که در شش جزوه تدوین و تنظیم گردید و فقط سه جزوه آن به مراسم حج آن سال رسید و در حد وسیعی همراه با خود نوار میان زائران خانه خدا پخش شد و از طریق آنان به ایران فرستاده شد.^۱

بدین ترتیب مباحث حکومت اسلامی را، نخستین بار یاران امام در بهمن ۱۳۴۸ در نجف

اشرف (چاپخانه آداب)، منتشر کردند و به دست مسلمانان کشورهای مختلف رسانیدند. روی جلد این جزوه‌ها آمده است: «حکومت اسلامی یا ولایت فقیه» و ذیل آن نوشته شده:

مجموعه درس‌های حضرت آیت‌الله العظمی الامام الخمینی متع‌الله المسلمین بطول بقائه الشریف که در موضوع ولایت فقیه تحت عنوان حکومت اسلامی در نجف اشرف ایراد فرمودند.



وزارت امور خارجه رژیم شاه در نامه‌ای به ساواک راجع به این جزوه‌ها می‌نویسد: در تاریخ ۴۸/۱۱/۲۲ در برخی از مساجد کویت جزوه‌ای به زبان فارسی که در نجف طبع شده و حاوی درس‌هایی است که خمینی تحت عنوان «حکومت اسلامی یا ولایت فقیه» ایراد نموده، بین حاضرین توزیع شده... به نظر می‌رسد که خمینی بعد از مدت‌ها ضمن بیان مسائل مذهبی، مطالبی را که کاملاً علیه ایران است اظهار می‌دارد و در جزوه پیوست چندین جا حملات ناروا به ایران کرده است.



بعد از اینکه این جزوه‌ها چندین بار در نجف به چاپ رسید، آقای جلال‌الدین فارسی درس‌های امام را به شکلی دیگر در بیروت منتشر کرد. ایشان در خاطرات خود می‌گوید: در شهریور ۱۳۴۹ که در نجف مشرف بودم، حجت‌الاسلام آقای دعایی به بنده گفتند: «به حضرت امام پیشنهاد شده است تا شما درس‌های ولایت فقیه را پس از حذف مطالب تکراری که در هر جلسه درس ضرورت می‌یابد، به صورت کتابی در آورید و ایشان موافقت فرموده‌اند.» متن پیاده شده درس‌ها را هم دادند. درس‌ها قبلاً یک بار در نجف چاپ شده بود... در پائیز ۱۳۴۹ در بیروت کار تدوین کتاب را به پایان برده نام حکومت اسلامی بر آن نهادم و خدمت امام در نجف فرستادم. چند هفته بعد آن را توسط مسافری به بنده بازگرداندند در حالی که با خط مبارک دو سه جایی را اصلاح فرموده دعای آخر آن را افزوده بودند. مبلغی هم برای چاپ آن مرحمت کرده بودند. با

حجت‌الاسلام آقای اعلی صاحب دارالنشر معروف در بیروت، وارد مذاکره شدم... و چاپ آن را به طور سری و دور از چشم سازمان امنیت لبنان به انجام رساندیم... تبلیغات و هرگونه اقدام در جهت نشر آرای امام با خصومت یا دسائس مخالفان روبه‌رو می‌گشت. امام در لبنان هیچ مقلدی هم نداشتند. «حکومت اسلامی» در چنین شرایط سخت و با همت و استقبال از خطری که آقای اعلی نشان داد از چاپ بیرون آمد و مخفیانه و از راه‌های مختلف به ایران و آشکارا به کشورهای اروپایی و امریکا و پاکستان و افغانستان و عراق و کویت راه یافت.^۱

چاپ‌های بعدی کتاب حکومت اسلامی بر اساس نسخه تدوین شده توسط آقای فارسی صورت گرفته و اکنون نیز با همان اسلوب به چاپ می‌رسد. طبیعی است که این چاپ با آنچه نخستین بار در نجف به چاپ رسید، تفاوت‌هایی دارد. زیرا در چاپ نجف، با توجه به محدودیت زمانی، مطالب از نوارها پیاده شده و با کمترین تغییرات به صورت جزوه به چاپ رسید اما در چاپ بیروت، فرصت بیشتری بوده و از همان ابتدا، بنا بر عبارت‌پردازی و مختصری تغییرات عبارتی و جابه‌جا کردن مطالب بوده است.

◆ یک غفلت بزرگ

در اینجا لازم است به نکته بسیار مهمی از اندیشه سیاسی امام خمینی توجه شود. برخی با استناد به کتاب ولایت فقیه امام، ادعا می‌کنند که مسأله «ولایت مطلقه فقیه» با تأکید بر قید «مطلقه»، در درس‌ها و آثار امام مطرح نشده است و امام این مسأله را اولین بار در سال‌های آخر عمرشان در ۲۱ دی ماه ۱۳۶۶، در نامه‌ای خطاب به حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مطرح کردند و تا پیش از آن در هیچ‌یک از آثار و سخنرانی‌های امام، سخن از «ولایت مطلقه فقیه» نبوده و همه جا «ولایت فقیه» مورد بحث بوده است و بدین ترتیب تلاش می‌کنند مسأله «ولایت مطلقه

فقیه» را در اندیشه سیاسی امام خمینی کمرنگ نمایند.

پاسخی که در درجه اول به این مسأله داده می‌شود، این است که این یک بحث لفظی و بی‌فایده است؛ زیرا مقصود امام از «ولایت مطلقه فقیه» در نامه مورد اشاره، همان است که قبلاً در جلسات درس ولایت فقیه در سال ۱۳۴۸ مطرح کرده بودند و در سال‌هایی که رهبری نظام اسلامی را به عهده داشتند، بارها بر همان مبنا عمل کرده‌اند که مجموع این اقدامات (بالغ بر ۱۸۰ مورد)، قبلاً توسط نگارنده در کتابی جمع‌آوری شده است.^۱ اگر هم فرض شود که امام در اواخر عمر مبارکشان این مسأله را مطرح کردند، باز هم از اعتبار علمی این نظریه کاسته نمی‌شود، زیرا در سیر تحقیقات و پژوهش‌های علمی، به ویژه در علوم نظری، این مسأله برای عموم اندیشمندان پیش می‌آید که بسیاری از نظریاتشان در طول زمان تکمیل می‌شود.

اما نکته مهم دیگری که در این تحقیق به دست آمد و امید است مورد توجه اصحاب فکر قرار گیرد این است که امام حتی اصطلاح «ولایت مطلقه فقیه» را هم در همان درس‌های سال ۱۳۴۸ به کار برده‌اند، لکن این نکته مهم و حساس در تدوین کتاب توسط آقای جلال‌الدین فارسی، حذف شده و خسارت تاریخی بزرگی را موجب شده است. تعبیر «ولایت مطلقه» در نخستین چاپ درس‌های ولایت فقیه که توسط حجت‌الاسلام سید حمید روحانی در نجف صورت گرفت و در آن، اکثر مطالب درس‌های امام بدون تغییر از نوار پیاده و منتشر شد، آمده است. امام در آخرین جلسه درس ولایت فقیه در تاریخ ۱۳۴۸/۱۱/۱۹ فرمودند:

همان‌طور که قبلاً عرض کردیم، موضوع ولایت فقیه چیز تازه‌ای نیست که ما آورده

باشیم بلکه این مسأله از اول مورد صحبت و اختلاف بوده، موضوع ولایت مطلقه فقها

از اول مورد بحث بوده منتهی آقایان از بردن اسم آن مضایقه داشته‌اند.^۲

این مطلب توسط آقای فارسی به این صورت تنظیم شده:

همان‌طور که قبلاً عرض کردم موضوع ولایت فقیه چیز تازه‌ای نیست که ما آورده

۱. رک: مهدی رنجبریان، ولایت مطلقه، قانون اساسی و امام خمینی، قم، نشر ظفر، ۱۳۸۱.

۲. جزوه ولایت فقیه، درس دوازدهم، ص ۶۴.

باشیم بلکه این مسأله از اول مورد بحث بوده است.^۱

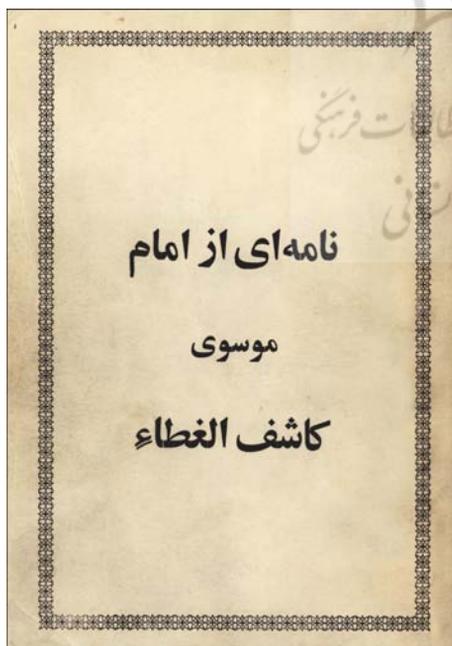
و ادامه مطلب که حاوی نکته بسیار مهمی بوده، حذف شده است. زهی تأسف! البته ارزش کار جناب آقای فارسی در جای خود محفوظ است و ایشان کار تدوین، عبارت‌پردازی، دسته‌بندی مطالب و مرتب‌سازی آنها را به خوبی انجام داده‌اند. اما بر مسئولان مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی است که با بررسی کتابی که اکنون توسط آن مؤسسه به نام ولایت فقیه منتشر می‌شود و تطبیق دقیق و کارشناسانه آن با متن درس‌های امام که نزد یاران نزدیک امام موجود است،^۲ این قبیل اشکالات را برطرف نمایند.

◆ چاپ‌های مختلف کتاب قبل از انقلاب اسلامی

این کتاب در سال ۱۳۵۶، با نام مستعار *نامه‌ای از امام موسوی کاشف‌الغطاء* به ضمیمه

کتاب *جهاد اکبر* امام در ایران به چاپ رسید.

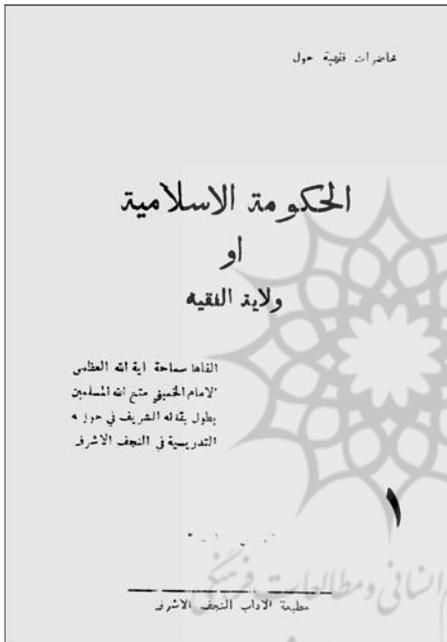
در این چاپ، بدون هیچ مقدمه‌ای متن کتاب آغاز می‌شود. اما *جهاد اکبر* که به ضمیمه آن چاپ شده، مقدمه‌ای دارد با امضای ناشر. در بخش قابل توجهی از این مقدمه هجده صفحه‌ای، با مروری بر سیره رسول خدا و امیرالمؤمنین علیهماالسلام، به اهمیت جهاد با نفس پرداخته شده و بعد ضرورت توجه به این مباحث در حوزه‌های علمی و ترفندهای استعمار برای دور نگاه داشتن حوزه‌های



۱. امام خمینی، همان، ص ۱۱۳.

۲. شنیده شد که اخیراً نوار آن درس‌ها نیز در اختیار مؤسسه قرار گرفته است.

علمیه از مسائل سیاسی و اجتماعی و دامن زدن به مسائل غیر اخلاقی در جامعه، مطرح شده است. بعد از این مباحث آمده است:



قائد بزرگ اسلام (متع الله المسلمین بطول بقاء وجوده الشریف) که با استعمار و دشمنان دیرینه اسلام، مبارزه آشتی ناپذیر دارند و در این راه به زندان و تبعید تن در داده به مزدوران استعمار صریحا اعلام داشتند که: «من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های شما حاضر کردم ولی برای قبول زورگویی‌ها و خضوع در مقابل جباری‌های شما حاضر نخواهم کرد» (اعلامیه معظم له به مناسبت فاجعه فیضیه - فروردین-۴۲)^۱

پس از این فرازها در حدود سه صفحه، به معرفی امام و مبارزات و روشنگری‌های ایشان پرداخته شده و در پایان آمده است:

باشد که جامعه روحانیت و ملت اسلام در پرتو راهنمایی‌های خردمندان و رهبری‌های ارزنده و مدبرانه قائد عظیم‌الشأن اسلام حضرت امام خمینی که مجدد قرن ما و از ذخائر گرانبها و ارزنده پروردگار مهربان است، از این نابسامانی، سرگردانی، ذلت و استعمارزدگی رهیده زنجیرهای سیاه استعمار را پاره کرده استقلال، آزادی، مجد و عظمت از دست رفته خود را باز یابند.^۲

۱. نامه‌ای از امام موسوی کاشف‌الغطاء، بی‌جا، بی‌تا، ص ۲۲۶.

۲. همان، ص ۲۲۹.

تاریخ این مقدمه، ذی الحجه الحرام ۱۳۹۲ است.^۱

استقبال گسترده مردم از بحث‌های حکومت اسلامی و نیز ممانعت رژیم از انتشار رسمی آن، سبب شده بود که این بحث‌ها بارها به صورت‌های مختلفی (به تناسب امکانات)، گاهی تک‌درس یا چند درس، کپی و غیره نیز منتشر شود.^۲

چاپ عربی کتاب نخستین بار هم‌زمان با اولین چاپ فارسی آن با تلاش حجت‌الاسلام سید حمید روحانی و ترجمه آیت‌الله معرفت^۳ در نجف در سال ۱۳۴۸ در ۵ جلد منتشر شد. غیر از جلد چهارم که شامل درس‌های نهم و دهم می‌باشد، سایر مجلدات، با مقدمه‌ای مستقل، با ادبیاتی حماسی، بسیار تند و ضد رژیم شاه، با امضای ناشر^۴ به چاپ رسیده‌اند. مقدمه جلد اول با عنوان «صرخه الحق»، با این عبارات آغاز می‌شود:

فی ذلك اليوم الرهيب، الذي قام الشاه - العميل المجرم - بخنق الحریه، التي انتفض بها الشعب الايراني الغيور و اخمد الاصوات بقوه النار و الحديد القاسيه و اصدر اوامره الجهنميه باعدام جماعات المسلمين و آحادهم و ملأ سجونه بدعاه الحریه و الاستقلال الوطني و كانت ضجه المعذبين فی طواميره تبلغ عنان السماء...^۵

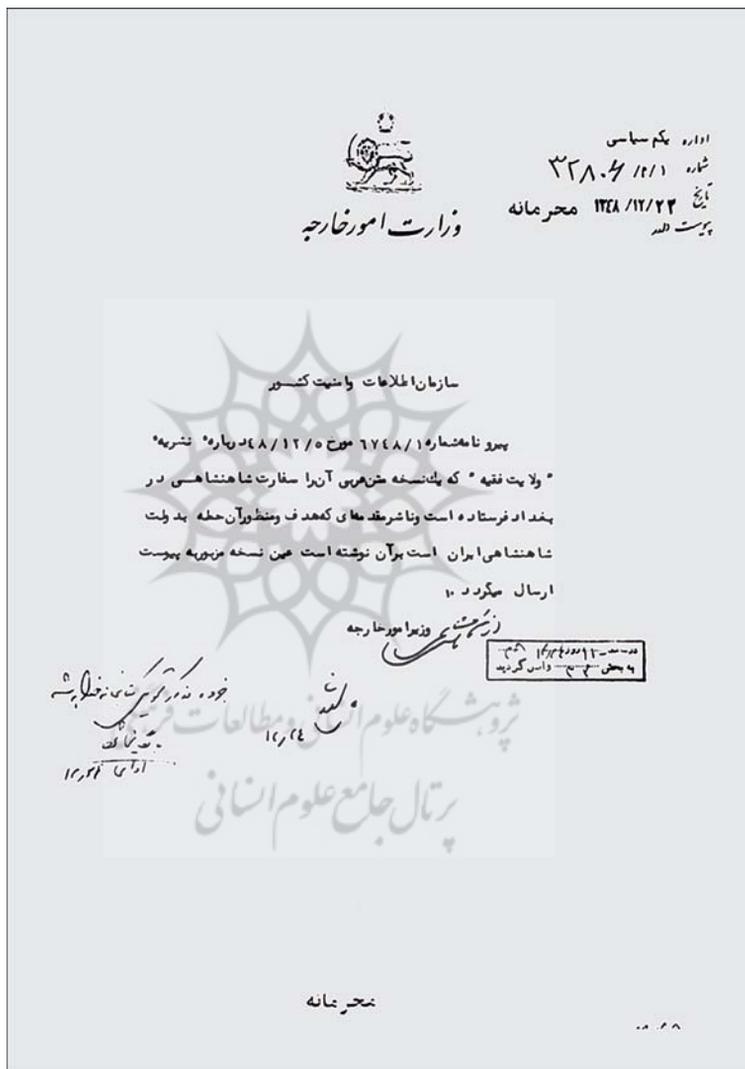
۱. برابر با ۱۳۵۱ شمسی. کتاب *جهاد اکبر* مجموعه بیانات اخلاقی و سازنده امام در خلال درس‌هایی است که در نجف اشرف داشته‌اند. این مطالب توسط حجت‌الاسلام سید حمید روحانی جمع‌آوری و با همان مقدمه‌ای که فرازی از آن در متن آمده است، توسط نامبرده با عنوان *مبارزه با نفس یا جهاد اکبر* در چاپخانه آداب نجف اشرف به چاپ رسید.

۲. جلال‌الدین فارسی، همان، ص ۱۴۱.

۳. رسول جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران، قم، مؤلف، ۱۳۸۵، ص ۲۳۷.

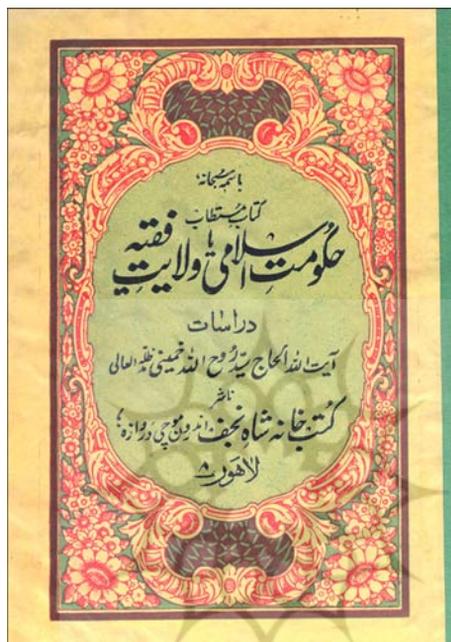
۴. این مقدمه‌ها توسط حجت‌الاسلام سید حمید روحانی نوشته شده است.

۵. *محاضرات فقهیه حول الحکومه الاسلامیه و ولایت الفقیه*، ج ۱، ص ۳. ترجمه: «در این روزهای ترس و وحشت که شاه مزدور و جنایتکار برای سلب آزادی که ملت غیور ایران برای آن قیام کرده، تلاش می‌کند و صداها را با قدرت آتش و آهن خفه کرده و اوامر جهنمی خود را مبنی بر اعدام مسلمانان صادر کرده و زندان‌هایش را از منادیان آزادی و استقلال میهن پر کرده و صدای ناله مبارزان تحت شکنجه در زندان‌هایش به آسمان رسیده...»



وزارت امور خارجه در نامه‌ای به ساواک راجع به چاپ عربی این کتاب نوشته است:

نشریه ولایت فقیه که یک نسخه متن عربی آن را سفارت شاهنشاهی در بغداد فرستاده است و ناشر مقدمه‌ای که هدف و منظور آن حمله به دولت شاهنشاهی ایران است بر آن نوشته است، عین نسخه مزبور به پیوست ارسال می‌گردد.



این کتاب به زبان اردو نیز در همان سالها به چاپ رسیده است.^۱ در شناسنامه کتاب، نام «محمد منیر سیالکولی» به عنوان کاتب (این چاپ، به صورت خطی است) و «کتبخانه شاه نجف» به عنوان ناشر آمده است.

◆ استقبال عمومی در ایران

کتابها و نوارها به سرعت به ایران رسید و مورد توجه علما و یاران امام قرار گرفت. در تهران، آیت الله شهید سعیدی از جمله کسانی بود که برای تکثیر این جزوه‌ها و نوارها تلاش فراوانی. در یکی از گزارش‌های ساواک آمده است:

سید محمدرضا سعیدی بیش از دیگران در امر تهیه و پخش جزوات و نوار سخنرانی خمینی فعالیت می‌کند و طبق گزارشات تأیید شده‌ای، مشارالیه آنها را به دوستان خود

۱. چند نسخه از این چاپ در کتابخانه بنیاد تاریخ پژوهی ایران معاصر نگهداری می‌شود.

می‌دهد تا استفاده کنند.

علما و روحانیان تهران جلساتی تشکیل می‌دادند و ضمن استماع نوار سخنرانی‌ها به بحث و تبادل نظر راجع به این مباحث می‌پرداختند. در یکی دیگر از گزارش‌های ساواک آمده است:



از ساعت ۱۳:۰۰ الی ۱۶:۰۰ روز چهارشنبه مورخه ۴۸/۱۱/۲۱، محمد امامی کاشانی، شیخ علی‌اصغر مروارید، شیخ جعفر جوادی شجونی، لاهوتی، نجم‌الدین اعتمادزاده و شیخ علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی در منزل کاشانی اجتماع و نوار مذکور را استماع نمودند.

علاوه بر علما و روحانیان، بسیاری از مبارزان غیر روحانی هم از جمله شهید سید اسدالله لاجوردی در چاپ و نشر این جزوه‌ها و نوارها تلاش کردند.^۱ آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبتی در این باره نوشته‌اند:

من اولین جزوه‌های ولایت فقیه را که در اینجا تکثیر شده بود و پخش می‌شد، در نزد حاج آقا تقی خاموشی^۲ دیدم در سال ۴۸. این کار در تهران و به وسیله مبارزان بازار صورت می‌گرفت و خاموشی از جمله آنان بود.^۳

۱. جلال‌الدین فارسی، همان، ص ۱۴۱. یاران امام به روایت اسناد ساواک؛ سید اسدالله لاجوردی، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۷، ص ۷۷، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۸.
۲. از فعالان هیأت مؤتلفه اسلامی.
۳. رسول جعفریان، همان، ص ۲۳۹.



سخت‌گیر
سازمان اطلاعات امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

شماره ۴۸/۱۴/۱۹
تاریخ
پیوست ۳۱۶

گزارش

درباره عاملین تهیه و توزیع نوار سخنرانی خمینی

محترماً معروض میدارد :

منظور: کسب دستور در مورد دستگیری عاملین تهیه و توزیع نوار و جزوه سخنرانی آیت‌الله خمینی .

خلاصه سابقه : بطوریکه استحضار دارند اخیراً آیت‌الله خمینی در نجف اشرف مبادرت به سخنرانی تحریک آمیزی نموده که اظهارات وی در تیار ضبط و بصورت جزوه چاپ و در بین عناصر متعصب مذهبی پخش شده است .

اقدامات انجام شده :

بمنظور جمع‌آوری جزئیات و توارهای مذکور طی دستور العمل کلی بکلیه ساواکها اعلام گردید ضمن شناسائی عاملین تهیه و توزیع آنها نسبت به دستگیری آنان اقدام نمایند اینک ساواک تهران اعلام داشته سید محمد رضا سعیدی پیش از دیگران در امر تهیه و پخش جزئیات و نوار سخنرانی خمینی فعالیت میکند و طبق گزارشات تأیید شده ای مشارالیه آنها را بدو شتان خود میدهند تا استفاده نمایند . ضمناً عده‌ای از روحانیون از جمله شیخ فضل‌الله مهدی‌زاده محلاتی که اخیراً از عربستان سعودی مراجعت نموده . سید مجتبی صالحی . علوی . لاهیوتی . مرآت‌الهی که سابقه محکومیت دارد از نوار و جزوه موصوف استفاده و در پخش آنها دخالت دارند .

مفروضه : با عرض مراتب فوق و با توجه باینکه منابع ۱۵۸۵ و ۷۲۴ مورد اعتنا میباشند

۴۶-۱۱۶

۰۰۰۱۰۸۴۰

در قم، کار نشر رساله امام و کتاب حکومت اسلامی، به طور عمده توسط انتشارات دارالفکر (مرحوم مولانا) و دارالعلم (مرحوم آذری قمی) انجام می‌شد.^۱

اخیلی محرمانه

طبقه بندی حفاظتی
مزارش خیر

<p>۷ - منبع ۷۲۴</p> <p>۸ - منشأ منزل سعیدی</p> <p>۹ - تاریخ وقوع ۴۸/۱۲/۱۷</p> <p>۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع</p> <p>۱۱ - تاریخ رسیدن خبر بر مبرم عملیات محل</p> <p>۱۲ - ملاحظات حفاظتی ۴۸/۱۲/۱۸</p>	<p>درجه فوریت</p> <p>منبع یکم / از / منبع</p> <p>نسخه شماره / از نسخه / نسخه</p> <p>۱ - ۳۱۶</p> <p>۲ - از ۳۵۲۰</p> <p>۳ - شماره گزارش ۶۰۵۸۹ / ۹۲</p> <p>۴ - تاریخ گزارش</p> <p>۵ - پیوست ۴۸/۱۲/۱۹</p> <p>۶ - گردنگان خبر</p>
--	--

عطف
بپرد

موضوع تکثیر جزوه سخنرانی خمینی

سید محمد رضا سعیدی در ساعت ۱۱۰ روز ۴۸/۱۲/۱۷ پانزدهم از جزوه سخنرانی پنجم و ششم خمینی را به یکی از دوستان خود نشان داد و گفت این نسخه منحصر بفره است و فعلاً در دسترس چاپ و پاپلی کی آن هستم. محمد رضانیکنام بوی اظهار داشت اگر صلاح بدانید من انرا میدهم پلی کیی کنند و هر نسخه آن تقریباً ۳۰ تومان تمام میشود. سعیدی جواب داد این مبلغ گران است خودم اقدام میکنم.

توضیح منبع: سعیدی غالباً جزوه و نوار سخنرانی خمینی را در منزل سید مجتبی صالحی واقع در خیابان گیاشی، خیابان خلیل، کوچه بهاری پلاک ۲۱ میگذازد و کمتر آنها را در منزل خود نگهداری میکند.

نظریه جبر عملیات: اقدام مستقیم در این مورد باعث شناسایی منبع خواهد شد. (۱)

نظریه ۳۵۲۰ نظریه ندارد ۳۵۲۰

در ساعت ۲۰ روز ۴۸/۱۲/۱۸
به بخش ۳۰۰ واصل گردید

۵۲۰۹۱

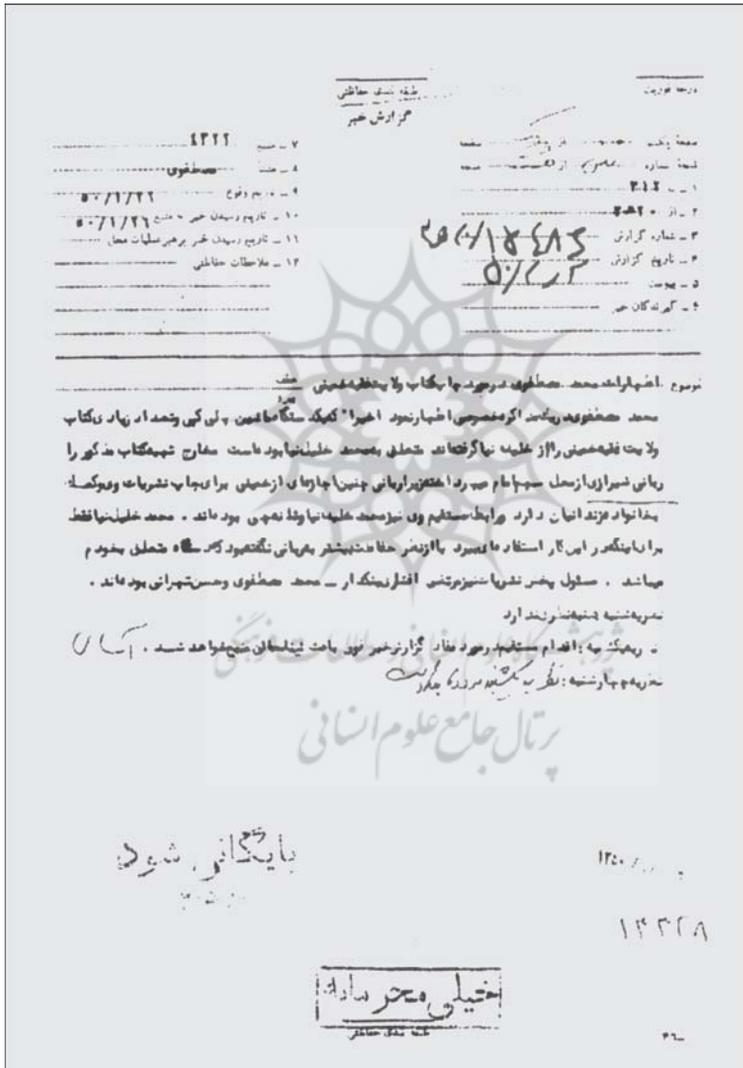
طبقه بندی حفاظتی

۴۶-۱۳۰

۰۰۱۰۸۳۹

مرحوم آیت الله ربانی شیرازی نیز از کسانی بود که در جهت نشر این کتابها تلاش می نمود. در یکی از گزارش های ساواک، کمک های مالی وی جهت تکثیر این جزوه ها منعکس شده است. ضمن اینکه ایشان نامه مفصلی هم در همان زمان، در رابطه با مسأله ولایت فقیه خطاب به

حجت‌الاسلام سید حمید روحانی نوشته است.^۱



برخی از فضایی حوزه علمیه قم، به صورت گروهی روی این مباحث کار می‌کردند. آیت‌الله

طاهری خرم‌آبادی در خاطراتش از مباحثاتی یاد می‌کند که همراه با مرحوم آیت‌الله ربانی‌املشی و آیت‌الله مؤمن راجع به این درس‌های امام داشته‌اند.^۱ عده‌ای از روحانیان و فضایی حوزه در صدد بررسی و تبیین بیشتر این موضوع برآمدند. از آن جمله آیت‌الله ربانی‌املشی فعالیت‌های خود را کنار گذاشت و با جدیت روی این موضوع کار کرد.^۲ آیت‌الله گرامی راجع به این درس‌ها می‌گوید:

در همان جلسه اول فرمودند: اشکالی ندارد که انسان در تبعید باشد و طرح بدهد.

خیلی‌ها در زندان و تبعید طرحشان را نوشتند. از این کلمات معلوم بود که طرح، طرح تازه‌ای است و از قبل این طرح نبوده است... در درس‌هایم به هر مناسبتی به این موضوعات اشاره می‌کردم. گاهی نیز در سخنرانی‌هایم به صراحت یا با اشارات مطرح می‌کردم.^۳ نوارها و جزوات درس‌های ولایت فقیه در شهرهای مختلف دست به دست شده و مورد توجه و استقبال مبارزان و نخبگان قرار می‌گرفت. در شیراز با فعالیت گروه رجبعلی طاهری، ماهی هفتاد جلد از این کتاب به فروش می‌رسید. ضمن آنکه این کتاب متن کتاب و درس و مباحثه باقی بماند.

۱. خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، همان، ص ۶۴.

۲. همان، ص ۶۵.

۳. خاطرات آیت‌الله گرامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۰۴.

آموزشی اعضای گروه طاهری بوده است.^۱ محمدحسن خاکساران از فرهنگیان قزوین با اشاره به تأثیر کتاب ولایت فقیه امام در نظام فکری خود و هموعانش، از سلسله جلساتی یاد می‌کند که نظریات امام خمینی را در باب حکومت اسلامی برای فرهنگیان، دانشجویان و بازاری‌های قزوین تبیین می‌کرد و آن جلسات با اسقبال گسترده‌ای مواجه می‌شد.^۲

آیت‌الله محفوظی که در رفسنجان تبعید بود، در خاطرات خود از تبادل کتاب حکومت اسلامی با فرهنگیان آن منطقه یاد می‌کند.^۳

نوارها و جزوات، موج جدیدی در میان یاران امام از طبقات مختلف ایجاد کرد. موج پدید آمده در اثر انتشار گسترده اندیشه حکومت اسلامی (در قالب نوار، جزوه، مباحثات و گفتگوهای علمی)، بر محتوای منابر و سخنرانی‌های ماه محرم همان سال و نیز سایر مناسبت‌ها که ایام تبلیغات گسترده مذهبی است و روحانیان و وعاظ در سراسر کشور به تبیین معارف اسلامی می‌پردازند،

امام حتی اصطلاح «ولایت مطلقه فقیه» را هم در همان درس‌های سال ۱۳۴۸ به کار برده‌اند لکن این نکته مهم و حساس در تدوین کتاب توسط آقای جلال‌الدین فارسی، حذف شده و خسارت تاریخی بزرگی را موجب شده است.

تأثیر زیادی گذاشت و بحث حکومت اسلامی و ولایت فقیه در منبرها نیز مطرح شد.^۴ بدین ترتیب عموم مردم با هدف نهایی نهضت که سرنگونی رژیم شاهنشاهی و برپایی حکومت اسلامی با محوریت ولایت فقیه بود، آشنا شدند. عده‌ای از جوانان در شهرهای مختلف با تشکیل گروه‌هایی در صدد ساقط کردن رژیم پهلوی و برقراری حکومت اسلامی برآمدند.

۱. رسول جعفریان، همان، ص ۲۳۹.

۲. خاطرات محمدحسن خاکساران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۰۵.

۳. مجله یاد، ش ۴۱، ص ۲۷.

۴. خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، همان، ص ۶۶.

ساواک خوزستان راجع به حسین ابراهیمی‌پور از اعضای گروهی که در خرمشهر فعال بود، می‌نویسد:

در جهت براندازی حکومت شاهنشاهی و برقراری حکومت اسلامی صریحا اعترافات لازم را نموده است.^۱

شهید تندگویان در بازجویی خود صریحا اعلام کرده است که هدف او از مبارزه، تشکیل حکومت اسلامی می‌باشد.^۲

نکته در خور توجه دیگر این است که درس‌های امام در همان زمان توسط حجت‌الاسلام سید محمود دعایی از رادیو بغداد قرائت می‌شد. آیت‌الله گرامی در خاطراتش به این مسأله اشاره کرده است^۳ اما در میان اسناد ساواک، تا جایی که صاحب این قلم جستجو کرد، اشاره‌ای به انتشار این بحث‌ها به وسیله رادیو بغداد نشده و در میان خاطرات منتشر شده نیز، نکته قابل توجهی در این باب بیان نشده است.

◆ حساسیت رژیم شاه

رژیم شاه خطر این اندیشه را به خوبی دریافته بود و می‌دانست نهضتی که منشور آن کتاب حکومت اسلامی است، با امتیازاتی نظیر داشتن چند نماینده در مجلس یا اصلاح چند قانون و مصوبه، مهار نخواهد شد.

از این رو سازمان اطلاعات و امنیت با اطلاع از توزیع جزوه‌های ولایت فقیه در مراسم حج، در تاریخ ۱۳۴۸/۱۲/۷ به کلیه ادارات ساواک بخشنامه کرد:

اخیرا خمینی در نجف سخنرانی نموده و گفتار وی به صورت جزوه و نوار به ایران آورده شده. از توزیع آن جلوگیری و عاملین شناسایی و نتیجه را اعلام نمایند. ضمنا

۱. سید حمید روحانی، همان، ص ۷۴۶.

۲. همان.

۳. خاطرات آیت‌الله گرامی، همان، ص ۲۰۴.

برخی از حجاج حامل جزوه مزبور می‌باشند.^۱

در یکی دیگر از گزارش‌های ساواک در تاریخ ۱۳۴۸/۱۲/۱۲، آمده است:

اخیرا خمینی در نجف سخنرانی‌هایی مبنی بر لزوم ایجاد یک حکومت جهانی اسلامی نموده که علاوه بر فارسی، به زبان‌های عربی، ترکی و اردو ترجمه و بین حجاجی که جهت انجام فرائض حج رفته بودند، توزیع شده است. بدیهی است غالب حجاج ایرانی طرفدار خمینی دارای چنین جزواتی می‌باشند و به احتمال قریب به یقین پس از بازگشت به ایران آن را تکثیر و توزیع خواهند نمود. بنابراین لازم است که



از وسایل حجاجی که به کشور وارد می‌شوند، بازرسی به عمل آید.

اما این تلاش‌ها به نتیجه نرسید و ساواک در گزارشی اعلام کرد:

نوار سخنرانی خمینی در قم زیاد است و افرادی که [در نجف] اقامت دارند و در درس خمینی شرکت می‌کنند سخنرانی وی را ضبط کرده‌اند و این سخنرانی همان است که به صورت جزوه به زبان عربی، انگلیسی و فارسی در موقع حج بین حجاج پخش کرده‌اند و در چادرهای حجاج ایرانی نیز داده‌اند.^۲

در پی ناکامی دستگاه امنیتی رژیم شاه و ورود گسترده جزوه‌ها و نوارها به ایران، ساواک تلاش کرد از گسترش اندیشه حکومت اسلامی در افکار عمومی جلوگیری کند.

۱. سید حمید روحانی، همان، ص ۷۴۰.

۲. همان، ص ۷۴۲.

برنامه‌ریزان ساواک که می‌دانستند یکی از راه‌های مهم ترویج افکار انقلابی در میان مردم، استفاده از منبر توسط روحانیان خوش‌فکر و آگاه بوده و کتاب حکومت اسلامی مستقیماً در محتوای سخنرانی این روحانیان اثر گذاشته و به گوش عموم مردم خواهد رسید، در همان نخستین سالی که جزوهای حکومت اسلامی در میان طلاب و فضلا منتشر شد، عده‌ای از روحانیان مبارز، در آستانه محرم آن سال، ممنوع‌المنبر نمودند. آقایان شهید سعیدی، مرحوم طالقانی، مهدوی کنی، هاشمی رفسنجانی و دیگران از جمله روحانیان ممنوع‌المنبر در آن سال بودند.^۱

آیت‌الله سعیدی که طبق اسناد متعدد ساواک، سخت مشغول کار تکثیر و توزیع نوارها و جزوه‌های حکومت اسلامی بود، در تاریخ ۱۱ خرداد ۱۳۴۹ به اتهام «اقدام بر ضد امنیت داخلی مملکت» دستگیر و در بیستم خرداد ۱۳۴۹ در زندان‌های مخوف شاه به شهادت رسید.

از سوی دیگر، تهیه، توزیع و استفاده از این جزوات یا نوارهای صوتی را جرم قلمداد نموده و بسیاری از مبارزان به جرم تکثیر، توزیع یا مطالعه این کتاب، توسط عمل رژیم شاه دستگیر شدند.

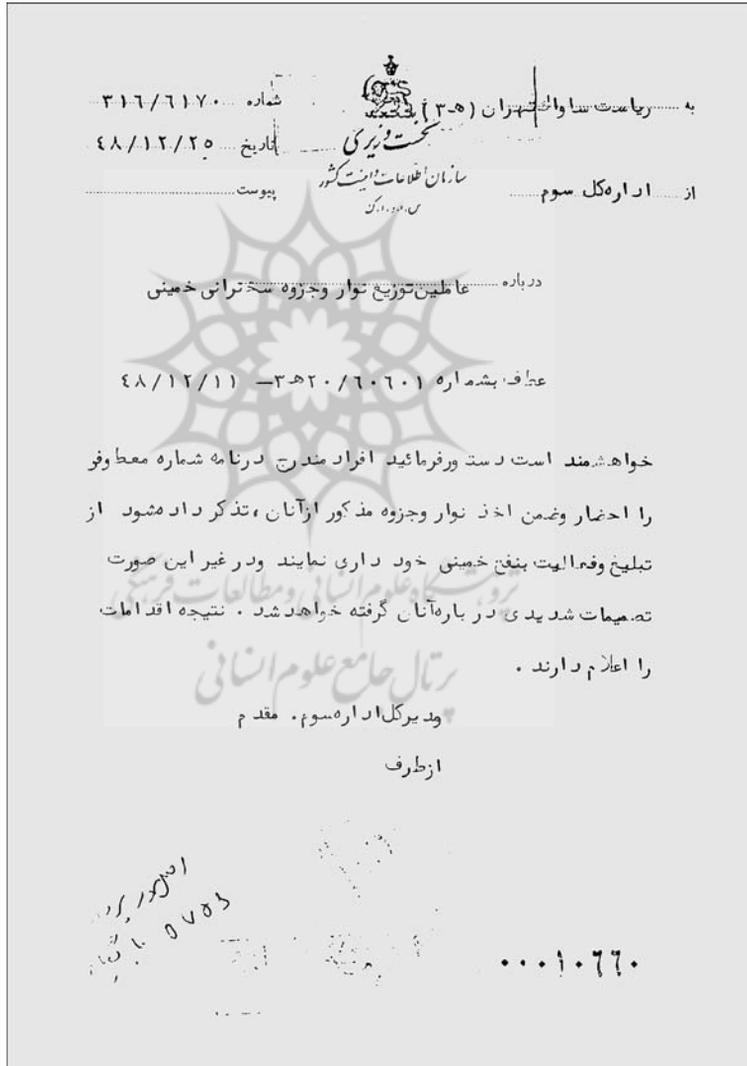
آیت‌الله سعیدی که طبق اسناد متعدد ساواک، سخت مشغول کار تکثیر و توزیع نوارها و جزوه‌های حکومت اسلامی بود، در تاریخ ۱۱ خرداد ۱۳۴۹ به اتهام «اقدام بر ضد امنیت داخلی مملکت» دستگیر و در بیستم

فهرست اسامی و نام‌های ممنوع‌المنبر در آستانه محرم و صفر ۱۳۴۹

ردیف	نام	نام پدر	شهرت	محل حکومت
۱	مهدی‌زاده	مهدی‌زاده	سید روی (گی)	تهران
۲	سید محمدزاده	سید احمد	سید ن خراسانی	*
۳	شیخ ملا محمد حسن	محمد تقی	معلوی نهدانی	*
۴	شیخ فیاضی	علی	فانوسی رفسنجانی	*
۵	شیخ حیدر الله	اناسی	نیرازی	*
۶	سید محمود	ابوالحسن	طالی نالی	*
۷	شیخ محمد	سلیمان	نالی (پیرام)	*
۸	شیخ علی‌جم	حسن	اسلانی	*
۹	شیخ علی‌اکبر	سلیمان	مدرزاده	*
۱۰	شیخ ابوالقاسم	محمد	کاشغری (حجیه)	*
۱۱	شیخ حسینعلی	علی	مستغزری	اسم
۱۲	محمد تقی	محمد	حسنت ثانی نهای (حسنت ابوالعزیز)	تم
۱۳	سید احمد	سلیمان	کلاتی	اسم
۱۴	سید مرتضی	مهدی‌زاده	محمود	مطبات
۱۵	سید آینه	سید مرتضی	شیرازی	*
۱۶	شیخ محمد	عبدالمجید	سائلی	اردبیل
۱۷	شیخ بدرواز بن	عبدالحسن	حائری	شیراز
۱۸	شیخ محمد آینه	سید آینه بن	مطباتی	*
۱۹	محمد حسن	محمد حسین	حسینی ارسنجانی	اسم

۱. همان، ص ۷۴۳ و اکبر هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، جلد ۲، ص ۱۰۷۷.

بیشتر مردم به نوارها و جزوه‌های ولایت فقیه نگردد و در همین راستا به بزرگنمایی اعلامیه آن شهید مظلوم در رابطه با سرمایه‌گذاران امریکایی پرداخت.



افراد دیگری نیز در همین راستا دستگیر و زندانی شدند. حجت‌الاسلام سید هادی خامنه‌ای از جمله کسانی است که در سال ۱۳۵۰، به جرم تکثیر و توزیع این کتاب، دستگیر و زندانی

شیخ حسین محمدابراهیم بیگ معروف به شیخ حسین پابرهنه به جرم همراه آوردن این جزوات از عراق در قصر شیرین دستگیر و به هفت ماه زندان محکوم شد.^۱

◆ تأملی در یک شبیه

در سال‌های اخیر که زیر سؤال بردن همه ارکان، آرمان‌ها و ارزش‌های نظام اسلامی برای گروهی «مد» شده، شبیه‌ای بدین مضمون رواج یافت که مردم ایران در جریان انقلاب اسلامی، در نفی رژیم گذشته آگاهانه عمل کردند اما برای جایگزین آن، اندیشه خاصی نداشتند و نمی‌دانستند دنبال چه چیزی هستند!

در حالی که با مروری بر شعارهای مردم آگاه ایران در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، بطلان این مدعا نمایان می‌شود. شعارهایی از قبیل «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» و «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»^۲... که ریشه در اندیشه‌های بلند امام راحل در برپایی حکومت اسلامی دارد. همان اندیشه تاریخ‌سازی که اولین بار در کتاب *کشف اسرار* در سال ۱۳۲۳ مطرح شد و تبیین عالمانه آن در سال ۱۳۴۸ صورت گرفت و چنان‌که در این نوشتار اشاره شد، موج آن اقاصا نقاط ایران را درنوردید و ملت ایران با دریافت این اندیشه، یکپارچه علیه نظام کهنه «مشروطه سلطنتی» به پا خاست و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ آن نظام پوسیده را سرنگون ساخت و در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، با تبعیت از ولی فقیه، آرمان جاودانه خویش را با رأی ۹۸/۲ درصدی به نظام جمهوری اسلامی، در تاریخ ایران به ثبت رساند.

۱. *یاران امام به روایت اسناد ساواک*؛ قامت استوار، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ج ۲، ص ۲۲۲.

۲. جریان‌های مرموزی در سال‌های اخیر تلاش داشتند این شعارهای تاریخی ملت ایران را به «استقلال، آزادی و پیشرفت» تحریف کنند غافل از اینکه واقعیات تاریخی به این سادگی تحریف‌پذیر نیست.